

عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)*

گل‌مراد مرادی^۱

محسن صفاریان^۲

چکیده:

یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه، شاخص سن ازدواج است. بالا رفتن میانگین سن ازدواج می‌تواند در مسیر سلامت جامعه اختلالاتی به وجود آورد. این مطالعه با هدف شناخت عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان با تاکید خاص بر شهر کرمانشاه انجام گردید. روش مطالعه در این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌های مربوطه پرسشنامه توام با مصاحبه می‌باشد. جامعه آماری مطالعه مذکور کلیه دختران و پسران ازدواج نکرده در گروه سنی ۲۵-۳۹ ساله شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۸ است. تعداد آنها برابر ۱۶۳۵۲ نفر است که با استفاده از نمونه‌گیری کوکران ۳۸۰ نفر برای مطالعه انتخاب شدند و براساس نمونه‌گیری تصادفی خوشه-ای گزینش شدند. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این مطالعه برای بدست آوردن روایی از روایی صوری و سازه با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی و جهت پایایی ابزار پژوهش از آلفای کرونباخ استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی، آزمون‌های T و F و برای آزمون مدل تجربی از رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام به گام و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که بین متغیرهایی چون نگرش افراد به برابری جنسیتی ($F=0/48$)، میزان تحصیلات ($F=0/32$)، سبک فرزندپروری استبدادی ($F=0/235$)، سبک فرزندپروری دموکراسی ($F=0/44$)، سطح انتظارات ($F=0/30$)، میزان سخت‌گیری والدین ($F=0/414$)، میزان لذت بردن از مجردی ($F=0/269$) و میزان استفاده از رسانه‌ها ($F=0/149$) ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای میزان دخالت والدین، سبک فرزندپروری، نابرابری جنسیتی، وضعیت مسکن و میزان اعتماد به نفس به ترتیب میزان اهمیتی در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. این متغیرها رویهم رفته ۰/۴۸ از فضای مفهومی متغیر وابسته (سن ازدواج) را تبیین و پیش‌بینی نموده است.

کلید واژه: سن ازدواج، انتظارات، سبک فرزندپروری، سخت‌گیری والدین، نابرابری جنسی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۲۵

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام آبادغرب

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

۱- مقدمه

سن ازدواج یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه محسوب می‌شود (Murayama, 2001, 307). در کشور ما که هنجارهای دینی نزد عموم مردم از مطلوبیت خاصی برخوردار است و جوانان بخش غالب جمعیتی را تشکیل می‌دهند، این ارزیابی در حوزه اخلاق اجتماعی و روحیه جمعی نیز مطرح می‌شود و دامنه تأثیر سن ازدواج را به حوزه‌های رفتاری و فرهنگی هویتی نسل جوان می‌کشاند. افزایش قابل توجه سن ازدواج جوانان (سن ازدواج بیشتر از سن بلوغ) پس از قرن‌ها تجربه ازدواج زودرس، پدیده‌ای مهم در حوزه تغییرات اجتماعی به شمار می‌رود (Hajnal, 1965, 48). جوامع انسانی طی دو قرن اخیر، شاهد تغییرات اساسی در سن ازدواج بوده‌اند که این تغییرات نخست در کشورهای اروپایی اتفاق افتاد و سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال توسعه سرایت کرد (لوکاس و میر، ۱۳۸۱، ۱۲۹). ایران نیز همانند سایر کشورهای در حال توسعه، این مساله را تجربه کرده است. آمارهای مختلف نشان می‌دهد که سن ازدواج برای مردان از ۲۴ سال در سال ۶۵ به ۲۶/۷ سال در سال ۸۳ و برای زنان از ۲۰ سال به ۲۳/۹ سال در این مدت رسیده است (مطلق، ۱۳۸۴). نظر به مهم بودن زمان تشکیل خانواده در تغییر وضعیت افراد، شناسایی عوامل مؤثر بر سن ازدواج و تبیین میزان و نحوه تأثیر آنها، می‌تواند در پیش‌بینی تبعات مختلف آن مثمرتر باشد. بعضی از مطالعات، تغییر در سن ازدواج را به تغییرات اقتصادی و اجتماعی جوامع (مراحل توسعه) نسبت داده‌اند. براساس این دسته از مطالعات، الزامات اقتصادی و اجتماعی هر دوره، زمان تشکیل خانواده و الگوهای آن را تعیین می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۲۸).

موضوع ازدواج و تشکیل خانواده از جمله مسائلی است که مورد بحث ادیان و مذاهب، فلاسفه، جامعه‌شناسان، روانشناسان، علمای تعلیم و تربیت، شعرا و نویسندگان و هنرمندان قرار گرفته است. در امر ازدواج تشکیل خانواده اهداف و انگیزه‌هایی چون میل بشر به تداوم نسل، نیاز اقتصادی و نیاز روحی و ... دخیل بوده که این عوامل در دوره‌های مختلف تاریخ بشری متغیر بوده است (Caldwell, 1981, 14). اما آنچه امروزه در میان جوانان به صورت یک چالش اصلی جامعه ایرانی درآمده است، افزایش سن ازدواج جوانان است. جوانانی که ازدواج نمی‌کنند، جوانانی که فرصت ازدواج نمی‌یابند، جوانانی که به خاطر سنت‌های غلط اجتماعی مجبور به خانه نشینی هستند و همچنین جوانانی که دوست دارند مدت‌های زیادی از عمر خود را مجرد باشند. این مسائل و عواملی دیگر دست به دست هم داده و پدیده سن ازدواج را به صورت یک مسأله درآورده است. قابل ذکر است که پیامد این پدیده (سن ازدواج) می‌تواند به افزایش اضطراب‌ها و فشارهای عصبی و شیوع افسردگی و اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی بیانجامد و با سپری شدن دوران شور

زندگی انگیزه تشکیل خانواده را کم و دخترانی را که به سنین بالا رسیده‌اند از دسترسی به تشکیل خانواده مأیوس کند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰۲)، گذشته از آن افزایش سن ازدواج و مجرد قطعی ازدواج را از دایره شرعی و قانونی خارج می‌کند و امنیت خانواده را به مخاطره می‌اندازد و آسیب‌های دیگری را همچون افزایش طلاق به جهت ارتباطات نامشروع به همراه خواهد داشت (گیدنز، ۱۳۸۶، ۴۵۳).

از طرفی مشکلات خاصی مانند مهریه‌های سنگین، مخارج هنگفت خرید طلا و جواهر، هدایا و لباسهای گوناگون، هزینه‌های هنگفت جشن‌های عقد و عروسی و میزان اجاره، رهن و یا خرید مسکن، بارداری و تربیت فرزند و دهها مسأله دیگر خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی فراروی جوانان می‌باشد (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷، ۳). یکی از شهرهایی که براساس یافته‌ها و آمارهای بدست آمده سن ازدواج در میان جوانان آن بالا است، شهر کرمانشاه می‌باشد. این کلانشهر در طول چند دهه گذشته تحولات عمیقی را در زندگی اجتماعی و اقتصادی خود تجربه کرده است. همزمان با این تحولات اقتصادی و اجتماعی مانند شهرنشینی، آموزش و تحصیلات، ایجاد مشاغل جدید و ظهور قشرهای مختلف، نظام خانواده و هنجارهای حاکم بر آن نیز تغییر یافته است، یکی از این تغییرات را می‌توان در تغییرات سن ازدواج مشاهده کرد (کنعانی، ۱۳۸۵، ۱۰۶). میزان شناخت از این پدیده در ایران و بویژه در شهر کرمانشاه حائز اهمیت است.

شواهد نشان می‌دهند که سن ازدواج در ایران نسبت به سال‌های گذشته افزایش پیدا کرده است. اما، این مسأله مختص به کشور ما نیست و عمدتاً کارگزاران اجتماعی در سایر نقاط دنیا این پدیده را یک مسأله و یا بحران اجتماعی نمی‌دانند. علاوه بر این، آمارها نشان می‌دهند که در ایران و بسیاری دیگر از کشورها فاصله سنی زوجین در حال ازدواج و همچنین پراکندگی یا انحراف معیار سن زنان در هنگام ازدواج در حال کاهش است. از سوی دیگر ازدواج زودرس در سال‌های اخیر سیری نزولی داشته است. برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، درصد زندگی مشترک خارج از ازدواج به هر دلیل در ایران بالا نیست. همچنین، میزان سقط جنین بسیار کم است و نرخ رشد جمعیت نیز در ایران مثبت بوده یعنی نیاز به اقداماتی برای افزایش جمعیت در ایران وجود ندارد. از سوی دیگر، نرخ مجرد قطعی در کشور ما در مقایسه با سایر کشورها چندان بالا نیست. اما، نگرانی‌هایی در حوزه‌ی مناسبات بین دو جنس وجود دارد.

علت اساسی و مهمی که ضرورت انجام چنین پژوهشی را ایجاب کرد، کاهش میزان ازدواج و افزایش شاخص متوسط سن ازدواج در کل کشور، به ویژه در شهر کرمانشاه بود. این شاخص در بین مردان در سرشماری ۱۳۶۵، ۲۳/۶ سال و در سرشماری سال ۱۳۷۵ به ۲۵/۶ سال در کل کشور افزایش یافته است، در شهر کرمانشاه نیز در سرشماری سال ۱۳۶۵ میانگین سن ازدواج مردان از ۲۴

به ۲۵/۶ سال در سرشماری سال ۱۳۷۵ افزایش داشته است. شاخص متوسط سن ازدواج زنان نیز از ۱۹/۸ سال در سرشماری ۱۳۶۵ به ۲۲/۴ سال و سرشماری ۱۳۷۵ در کل کشور افزایش داشته و در شهر کرمانشاه نیز متوسط سن ازدواج زنان در سال ۱۳۶۵ از ۲۱/۵ سال به ۲۳/۶ سال در سرشماری سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵). به طور کلی آمارها نشان می‌دهند که سن ازدواج برای مردان از ۲۴ در سال ۶۵ به ۲۶/۷ سال در سال ۸۳ و برای زنان از ۲۰ سال به ۲۳/۹ سال در این مدت رسیده، هم‌چنین شمار ازدواج‌ها در سال ۶۵ حدود ۷ در یک هزار نفر اعلام شده که رقم فوق به بیش از ۱۰ در یک هزار در سال ۸۲ افزایش یافته است. گویا افزایش ۳ درصدی شمار ازدواج‌ها طی مدت ۱۷ سال، با توجه به رشد جمعیت و بالا رفتن جوانان در آستانه ازدواج، چندان افزایش مطلوبی به نظر نمی‌رسد.

پدیدآمدن نیازهای جنسی، اقتصادی، فرهنگی و عاطفی با سن، میزان تحصیلات، وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی فرد بستگی دارد و هرچه میزان تعلق فرد به جامعه ابتدائی بیشتر باشد، نیازهای فوق در حد نیازهای جنسی و اقتصادی خلاصه می‌شود و با پیشرفت و توسعه جوامع، نیازها و خواست فرد از ازدواج به شکل نیازهای اجتماعی، فرهنگی و عاطفی خودنمایی می‌کنند. به تعویق افتادن سن ازدواج برای افراد می‌تواند باعث سرکوب شدن هر یک از نیازهای فوق گردد و حتی در جوامعی که ارضاء نیازهای جنسی صرفاً در گرو ازدواج نیست، نیازهای عاطفی و اجتماعی - فرهنگی نسبت به داشتن همسر کاملاً احساس می‌شود.

در مورد ضرورت امر ازدواج و اهمیت آن هیچ جای تردیدی نیست. در اسلام به مسأله ازدواج خیلی اهمیت داده شده و برای آن مقررات خاصی تعیین شده است. ازدواج از نظر اسلام وسیله‌ای است که زن و شوهر در سایه آن با کمال آسایش و اطمینان به حقوق خود، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۶۴). ژیرار^۱ براین باور است که در بین تمامی مراسم، آداب و حوادث اساسی حیات انسانی، ازدواج از اهمیتی بسزا برخوردار است: هم از نظرگاه فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی، هیچ نهادی نیست که همانند آن جهانی و از نظر عنایت ثابت و پایدار باشد. از این رو هیچ نهادی همانند آن تحت تأثیر دگرگونیهای اجتماعی قرار نمی‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۰). با توجه به اهمیت موضوع سن ازدواج در ایران و به خصوص در شهر کرمانشاه که روز به روز این آمار در حال افزایش است و مسائل و مشکلات زیادی را برای جوانان، خانواده‌ها و جامعه ایجاد نموده، لذا این تحقیق تلاش می‌نماید بررسی‌هایی در راستای شناسایی زمینه‌ها و بسترهای تشکیل‌دهنده افزایش سن ازدواج در شهر کرمانشاه به عمل آورد.

هدف اصلی این تحقیق بررسی نقش عوامل اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج

جوانان شهر کرمانشاه می باشد. اهداف فرعی این تحقیق پاسخ به سوالات ذیل است:

- ۱- عوامل اقتصادی (وضعیت شغلی جوان، میزان درآمد جوان، وضعیت مسکن، شغل پدر، شغل مادر و بالا بودن مهریه) چه تأثیری بر روی سن ازدواج جوانان دارد؟
- ۲- عوامل اجتماعی (بالا بودن سطح انتظارات و خواسته‌ها، سخت‌گیری والدین در انتخاب همسر، نگرش افراد به برابری جنسیتی، اعتماد به نفس، هویت طبقاتی، جنسیت و لذت بردن از مجرد) چه تأثیری بر روی سن ازدواج جوانان دارد؟
- ۳- عوامل فرهنگی (تحصیلات افراد، میزان تقید دینی، سبک‌های فرزندپروری، میزان استفاده از رسانه‌ها، داشتن خواهر و برادر بزرگتر مجرد) چه تأثیری بر روی سن ازدواج جوانان دارد؟

۲- مروری بر مطالعات انجام گرفته

اسکندری چراتی (۱۳۷۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان (مطالعه موردی شهر گنبد کاووس)» چرایی و شناخت علت تأخیر سن ازدواج جوانان و عواملی که در تأخیر ازدواج جوانان جامعه شهرستان گنبد کاووس مورد پژوهش و دارای اهمیت می‌باشد، را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که بیم متغیرهای ادامه تحصیل و بالا بودن انتظارات و سخت‌گیری در انتخاب همسر و نداشتن شغل مناسب و فقر خانواده و موقعیت اجتماعی خانواده و وضع ظاهری با تأخیر سن ازدواج جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷، ۱-۲۶).

آستین فشان (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان بررسی اجمالی روند تحولات ازدواج در ایران و تأثیر عوامل اجتماعی - جمعیتی بر آن بین سال‌های ۷۵-۱۳۵۵ انجام داده است. بر اساس نتایج بدست آمده، میزان باسوادی و به‌ویژه تحصیلات عالی، یکی از مهمترین فاکتورهای مؤثر در تأخیر سن ازدواج است (آستین فشان، ۱۳۸۰).

برهانی (۱۳۷۴)، در تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر بر سن ازدواج آن دسته از عوامل جسمی - روانی، اجتماعی - فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی و نیز اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی که در ازدواج از نظر شرایط سنی تأثیر می‌گذارد را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که سن ازدواج معلول عوامل اجتماعی، اقتصادی، روانی و فرهنگی است.

مقدس جعفری و یعقوبی چوبری (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در بالا رفتن سن ازدواج جوانان در ایران به این نتیجه دست یافتند بین وضعیت اشتغال، نوع شغل، میزان تحصیلات جوانان و نیز بالا بودن هزینه ازدواج، مهریه، جهیزیه، افزایش سطح توقعات زوج‌ها و خانواده‌ها، داشتن برادر و خواهر بزرگتر مجرد، عدم حمایت مؤسسات دولتی، تردید در تصمیم‌گیری

و وضعیت مسکن با بالا رفتن سن ازدواج جوانان رابطه معنی‌داری مشاهده شده است (مقدس جعفری و یعقوبی چوبری، ۱۳۸۶).

کنعانی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای با عنوان «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه مورد مطالعه ترکمن‌ها» به این نتیجه دست یافت که عامل نوسازی در افزایش سن ازدواج تأثیر فراوانی داشته است که این عامل خود را در قالب سطح تحصیلات به طور عمیق نشان داده است.

کاظمی پور (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن» بر این باور است که با افزایش میانگین سنی ازدواج زنان فاصله اختلاف سنی زوجین با کاهش بیشتر همراه است. بین سن ازدواج، سواد، تحصیلات، قومیت، محل سکونت در شهر و روستا و بطور کلی پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد ارتباط وجود دارد.

همیلتون و سیون (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «طبقه، جنسیت و ازدواج، نقش عوامل اجتماعی را در افزایش تقاضا برای ازدواج بین مردان و زنان به این نتیجه رسیدند که تقاضای ازدواج برای افراد بستگی به وضعیت اقتصادی اجتماعی افراد دارد. به این معنا که افرادی که در سطح وضعیت اقتصادی اجتماعی بالاتری قرار دارند، تقاضای ازدواج برای آنها بیشتر است (Hamilton & Siow, 2007, 549-575).

ویرا و همکاران (۱۹۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «در جستجوی طلا: وضعیت های بدست آوردن و از دست دادن در ناهمگنی سن ازدواج» به این نتیجه رسیدند که برخلاف باورهای رایج، وضعیت اقتصادی همسران به تنهایی نمی‌تواند نگرش آنها را به سوی درآمد شوهران نشان دهد بلکه احترام متقابل نیز عامل تعیین‌کننده‌ای در این راستا است (Vera et al. 1987, 51-64).

نیتلس و لیوینگر (۱۹۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «انتظارات نقش جنسیتی و سطح خودخواهی در ارتباط با مشکلات ازدواج» به این نتیجه رسیدند که تفاوت های سنی همسران بزرگترین مشکل در زندگی زناشویی آنها بوده است (Nettles and Loevinger, 1983: 676-686).

۳- مروری بر مباحث نظری

تأخیر در ازدواج به عنوان یک متغیر وابسته توسط صاحب‌نظران مختلف اقتصادی و اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، به نظر اقتصاددانان در دوره‌های رکود و به طور کلی بحران‌های اقتصادی و بدی محصول و نیز بحران‌های سیاسی و طبیعی چون جنگ، انقلاب و زلزله و ... ازدواج به تأخیر می‌افتد (سگالن، ۱۳۷۰، ۸-۱۲۷). از دیدگاه جامعه‌شناسی، ازدواج یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقای نسل انسان است و آرامش و امنیت در یک جامعه نتیجه ازدواج سالم و محیط آرام بخش خانواده است. از دید روانشناسی ازدواج یکی از بالاترین ترکیبات روانی را در بر

دارد. از نظر پزشکی، بیشترین ضایعات انسانی و بیماری‌ها، متوجه افراد مجرد است و سهم ازدواج در کاهش آن حائز اهمیت است. از نظر علمای اخلاق، ازدواج می‌تواند از اشاعه فساد و فحشاء و رفتارهای ناپسندی که می‌تواند پیامد مستقیم عنان گسیختگی غرایز جنسی باشد جلوگیری کند و یکی از پایه‌های حفظ سلامت جامعه است. از دیدگاه اسلام ازدواج ضمن دارا بودن همه ویژگی‌های لازم در حفظ روابط خانوادگی و اجتماعی و بقا نسل و جلوگیری از انحراف‌های مختلف، عبادت به شمار می‌آید و راهی است که به کمال انسان منتهی می‌شود (عبداللهی، ۱۳۶۶، ۷۷).

دیدگاه مرتن: ازدواج و عدم تعادل ساختی در جامعه: مرتن^۱ نیز با تأکید بر تعادل ناشی از پذیرفتن اهداف و وسایل نهادی شده در جامعه، سعی در تبیین نظام هماهنگ اجتماعی دارد. مرتن یک نظام اجتماعی را توصیف می‌کند که از یکپارچگی ضعیفی برخوردار است؛ نظامی که بواسطه تأکید بیش از حد بر اهداف اجتماعی موفقیت و عدم تأکید لازم بر وسائل نیل به آن اهداف، دستخوش یک نوع سوء یکپارچگی می‌شود. در چنین وضعیتی مردم برای حصول به موفقیت به شیوه‌های نابهنجار روی می‌آورند. حاصل فونکسیون این وضعیت، زوال بیشتر مقررات اجتماعی است. این امر موجب عدم تعادل ساختی در جامعه می‌شود و در نتیجه مقررات اجتماعی بیش از پیش بی‌اهمیت می‌گردد. حالت افراطی این وضعیت، بطور منطقی موجب بی‌قانونی، عدم یکپارچگی و رهایی کامل فردیت خواهد بود (اسکیدمور، ۱۳۷۲، ۱۶۱).

دیدگاه دورکیم: دورکیم با مبنا قراردادن تغییرات اجتماعی، نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که تخصصی‌شدن و تمایزات فردی موجب ایجاد وضعیتی می‌شود که در حالت نابسامانی (سردرگمی افراد در تشخیص ارزش‌ها) نیازهای افراد تشدید می‌شود (مهدوی، ۱۳۷۷، ۷۶). در دنیای امروز، افزایش جمعیت و گسترش تقسیم کار اجتماعی و بوجود آمدن مشاغل متنوع، موجب ارتباطات اجتماعی زیاد، تراکم اخلاقی و ارزش‌ها و هنجارهای گوناگون در جامعه شده است (روشه، ۱۳۶۶: ۴۳). هر چند تنوع ارزش‌ها و هنجارها در جوامع مختلف، از دیرباز وجود داشته، اما آنچه که ویژگی جامعه‌ی جدید است، وجود این تنوع در یک جامعه‌ی واحد می‌باشد. به گفته‌ی دورکیم جامعه‌ی قدیم که مبتنی بر «همانندی» بوده، جای خود را به جامعه‌ی جدید که دارای خصیصه‌ی «تمایزپذیری اجتماعی» است، می‌دهد. در جامعه‌ی جدید در مقایسه با جامعه‌ی قدیم، افراد با یکدیگر متفاوت هستند و هر قشر و گروه دارای ارزش‌ها، هنجارها، الگوهای رفتار و رسوم اجتماعی خاص خود می‌باشد. از سوی دیگر یکی از مباحث بسیار مهم در مقوله‌ی تغییرات اجتماعی بحث مدرنیسم است که به عنوان یک پدیده‌ی دارای اثرات غیرقابل انکاری بر رخساره‌های زندگی اجتماعی انسان از جمله

خانواده و ازدواج می‌باشد. در جامعه‌های در معرض مدرنیسم، همه چیز در حال تحول است. به دلیل وابستگی بخش‌های مختلف جامعه به یکدیگر، شروع تحول در یک بخش سریعاً بخش‌های دیگر را متأثر می‌نماید. در کشور ما نیز مدرنیسم از حدود نیم قرن پیش بخش‌هایی از جامعه را متحول کرده است. این تحولات موجب تحول در خانواده و ازدواج و همسرگزینی نیز شده است. کاهش تعداد ازدواج‌ها و افزایش سن ازدواج از این گونه موارد هستند (جعفری مزدهی، ۱۳۸۲: ۸۵).

دیدگاه گیدنز: در دیدگاه گیدنز، صنعت‌گرایی، سرمایه‌داری و تسلط ارزش‌های سرمایه‌مدارانه، تقویت نهادهای نظارت اجتماعی، قدرت سازماندهی و پویایی نهادهای عصر تجدد و جهانی شدن از جمله ویژگی‌های دوران مدرنیته شناخته می‌شوند. همچنین، در اندیشه این نظریه‌پرداز اجتماعی، علل پویایی و تحرک خارق‌العاده عصر تجدد با سه عامل شناخته شده‌اند؛ جدایی زمان و فضا که بسیاری از پدیده‌های محلی را به وقایع جهانی تبدیل کرده است، ساختارهای تکه‌برداری شده (نشانه‌های نمادین و نظام‌های کارشناسی)، بازتابندگی نهادین یا حساسیت فوق‌العاده سازمان‌های جامعه مدرن برای پذیرش تغییراتی که براساس مشاهدات به سرعت در خانواده منعکس می‌شوند. اگر سایر ویژگی‌های مدرنیسم مانند خردگرایی، فردگرایی، افسون‌زدایی، پوچ‌گرایی و دگرگونی را نیز در نظر بگیریم، در هر کدام از آنها نیز می‌توانیم این تحولات را شرح دهیم. اما، مدرنیته و ابعاد مختلف آن، بدون واسطه‌های تغییر از جمله شهرنشینی، کاهش نفوذ نظام خویشاوندی، تحرک جغرافیایی، تکنولوژی و تکنولوژی اطلاعات، اشتغال زنان، جنبش حقوق زنان و تنوع‌پذیری نهادهای اجتماعی نمی‌توانستند در خانواده مؤثر باشند. به بیان دیگر، تغییری که در جامعه مدرن اتفاق افتاده، باعث شده است برخی از ویژگی‌های ازدواج در جامعه سنتی، مانند نوع انتخاب همسر و دخالت در آن، ازدواج‌های فامیلی، چند زنی، قابلیت فرزندآوری، پایین بودن سن ازدواج، فاصله سنی زن و مرد، پدیده ازدواج مجدد و ... تغییر کنند.

نمودار زیر روابط بین متغیرهای این پژوهش را در قالب مدل تجربی تحقیق نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱ مدل تجربی تحقیق



۴- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین نگرش افراد به برابری جنسیتی و سن ازدواج ارتباط وجود دارد.
- ۲- بین سبک‌های فرزندپروری و سن ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین سطح انتظارات و خواسته‌های جوانان و سن ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان اعتماد به نفس جوانان و سن ازدواج رابطه وجود دارد.
- ۵- بین گرایش‌های دینی افراد و سن ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.
- ۶- بین میزان سخت‌گیری والدین و سن ازدواج آنها رابطه وجود دارد.
- ۷- بین میزان لذت از مجردی و سن ازدواج آنها رابطه وجود دارد.
- ۸- بین متغیرهای جمعیتی (شغل پدر، میزان استفاده از رسانه‌ها، هویت طبقاتی، وضعیت مسکن، وضعیت شغلی، سن ازدواج، میزان درآمد، میزان تحصیلات و شغل مادر) و سن ازدواج آنها رابطه وجود دارد.

۵- روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه دختران و پسران ازدواج نکرده در گروه سنی ۲۵-۳۹ ساله شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۸ است. با توجه به اینکه در آمارنامه‌های استان تعداد کل ازدواج کرده‌ها و ازدواج نکرده‌ها برحسب گروه‌های مختلف سنی بیان شده است، لذا در این تحقیق سه گروه سنی ۲۵-۲۹، ۳۰ تا ۳۴ و همچنین ۳۵-۳۹ ساله‌های ازدواج نکرده که تعداد آنها براساس نرخ رشد جمعیت برای سه سال بعد یعنی ۱۳۸۸ برابر ۱۶۳۵۲ بودند به عنوان جامعه آماری مدنظر قرار گرفتند. با توجه به اینکه حجم نمونه براساس فرمول کوکران برابر ۳۷۵/۵ نفر بدست آمد، محقق برای بالا رفتن پایایی ابزار تحقیق تعداد ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفت. نحوه پیدا کردن نمونه‌ها در این تحقیق براساس خوشه‌های تعیین شده از شهر کرمانشاه انجام می‌گیرند. در این تحقیق از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است. که بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۸۳ نفر می‌باشد.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{187448} \left(\frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 383$$

جهت اعتبار صوری پس از طراحی گویه‌های طیف‌های مربوطه در اختیار اساتید و کارشناسان دانشگاه قرار خواهد گرفت. اظهار نظر این افراد در راستای سنجش گویه‌های هر طیف، در نهایت به گزینش گویه‌های مناسب برای هر طیف منجر شد. جهت ارزیابی روایی سازه‌ای طیف ضمن استناد به

مبانی نظری تحقیق از تحلیل عامل استفاده می‌شود. در این تحقیق برای دو متغیر جهت گیری‌های دینی و سبک‌های فرزندپروری از تحلیل عاملی استفاده شده است. جدول شماره ۱ نتایج تحلیل عاملی گویه‌های مربوط به جهت گیری‌های دینی را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج جدول درصد واریانس تبیین شده برای جهت گیری درون دینی ۵۷/۴۰ و برای جهت گیری برون دینی برابر ۱۴/۳۳ می‌باشد. از طرفی مقادیر ویژه هر کدام از عامل‌های فوق به ترتیب برابر ۵/۵۵ و ۳/۸۱ می‌باشد که بزرگتر از ۱ هستند، لذا نتیجه می‌گیریم اعتبار عاملی این متغیر با قبول پیشفرض‌های مربوطه مناسب است. آزمون KMO جهت مناسب بودن همبستگی بین گویه‌ها در ماتریس به کار می‌رود. از آنجایی که KMO در این ماتریس ۰/۹۲ می‌باشد، لذا نیازی به حذف هیچ گویه‌ای از این مجموعه نمی‌باشد. آزمون کرویت بارتلت در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان این معنی‌داری را نشان می‌دهد. لذا نتایج حاکی از این جدول به محقق اطمینان می‌دهد که می‌توان تحلیل عاملی را ادامه داد. نتایج هر دو آزمون معیار کایزر- مایر^۱ گویای این واقعیت است که انجام تحلیل عاملی برای این گویه‌ها مناسب است.

جدول شماره ۱- نتایج تحلیل عاملی گویه‌های مربوط به جهت گیری‌های دینی

مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	بارعاملی	گویه‌ها	نام متغیرها
۵/۵۵	۵۷/۴۰	٪۸۱	به نظر شما دین تا چه حد در زندگی انسانها نقش دارد	درون دینی
		٪۹۰	تا چه حد استفاده از راهنمایی‌ها و اندرزهای اشخاص مذهبی باعث سعادت آنها می‌شود	
		٪۷۸	به نظر شما تا چه حد در راه اعتقاد دینی همه چیز، حتی جان را باید فدا کرد	
		٪۷۲	شما تا چه حد فکر می‌کنید تمام رفتارهای زندگیتان را با دین خود همراه کنید	
		٪۷۵	تا چه حد می‌توان بر اساس آموزه‌های دینی مسائل و مشکلات را حل کرد	
۳/۸۱	۱۴/۳۳	٪۷۴	تا چه حد به اخبار مذهبی و رسانه‌ها توجه دارید	برون دینی
		٪۸۲	تا چه حد در طول هفته به مطالعه کتب، مجلات و روزنامه‌هایی که جنبه دینی بیشتری دارند، می‌پردازید	
		٪۶۹	تا چه حد مسجد مکان مناسبی برای شکل‌گیری روابط خوب اجتماعی است	
		٪۷۲	تا چه حد دین برای افراد آرامشی دارد که هنگام بدبختی و مصیبت بر فرد حاکم می‌شود	

جدول شماره ۲ نتایج تحلیل عاملی گویه‌های مربوط به سبک‌های فرزندپروری را نشان می‌دهد. درصد واریانس تبیین شده برای سبک فرزندپروری استبدادی ۳۱/۳۸، بی‌بندوباری ۴۹/۶۴ و دموکراسی ۶۲/۳۷ است. مقادیر ویژه هر کدام از عامل‌های فوق به ترتیب برابر ۷/۱۲، ۳/۳۸ و ۲۱/۱۸ می‌باشد که بزرگتر از ۱ هستند، لذا نتیجه می‌گیریم اعتبار عاملی این متغیر با قبول پیشفرض‌های مربوطه مناسب است. آزمون KMO در این ماتریس ۰/۷۲ و آزمون کرویت بارتلت در سطح ۹۵ درصد اطمینان این معنی‌داری را نشان می‌دهد. نتایج هر دو آزمون کایزر و بارتلت گویای این واقعیت است که انجام تحلیل عاملی برای این گویه‌ها مناسب است.

جدول شماره ۲ نتایج تحلیل عاملی گویه‌های مربوط به سبک‌های فرزندپروری

مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	بارعاملی	گویه‌ها	نام متغیرها
۷/۱۲	۲۱/۲۸	%۶۲	در خانواده ما والدین حرف اول و آخر را می‌زنند.	استبدادی
		%۵۹	والدینم به نظر من در ازدواج هیچ اهمیتی نمی‌دهند	
		%۷۳	والدین در امر ازدواج تنها نظر خودشان را به من تحمیل می‌کنند	
۲/۳۸	۴۹/۶۴	%۶۶	در خانواده ما تصمیم‌گیرنده نهایی در هر کاری فرزندان هستند	بی‌بند و باری
		%۶۷	در خانواده والدین هیچ کاری با من ندارند	
		%۶۷	به نظر من نظر والدین در ازدواج هیچ اهمیتی ندارد	
۲/۱۸	۶۲/۳۷	%۵۶	من مایلم انتخاب همسر و همراه با تصویب والدینم باشد	دموکراسی
		%۶۱	دوست دارم کسی را انتخاب نمایم که هم مورد پسند خودم و هم خانواده‌ام باشد	
		%۷۴	والدین همیشه برای انتخاب همسر آینده‌ام از من نظرخواهی می‌کنند	

KMO = 0.72 Bartlett Test of Sphericity = 743.65 Sig ... = 0.000

در این تحقیق برای پایایی ابزار تحقیق سعی شده است پس از طراحی گویه‌ها، یک مطالعه مقدماتی صورت گیرد و با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ میزان پایایی گویه‌های آن بدست آمد. نتایج جدول مقدار آلفای کرونباخ قبل و پس از اصلاح و حذف گویه‌ها به صورت ذیل است.

جدول شماره ۳ میزان آلفای کرونباخ (پایایی) گویه‌های هر طیف

مقدار آلفا بعد از اصلاح و حذف		مقدار آلفا قبل از اصلاح و حذف		نام طیف
مقدار آلفا	تعداد گویه	مقدار آلفا	تعداد گویه	
۰/۷۹	۷	۰/۷۹	۷	اعتماد به نفس
۰/۷۳	۷	۰/۷۳	۷	برابری جنسیتی
۰/۹۲	۹	۰/۷۴	۱۰	گرایش‌های دینی
۰/۷۴	۴	۰/۶۸	۶	لذت بردن از مجردی
۰/۸۶	۴	۰/۶۶	۷	دخالت والدین
۰/۹۴	۹	۰/۹۴	۹	سبک‌های فرزندپروری
۰/۷۰	۵	۰/۶۲	۷	سطح انتظارات

متغیر وابسته در این پژوهش تأخیر در سن ازدواج می‌باشد. تأخیر سن ازدواج عبارت است از میزان عقب افتادگی سن مطلوب ازدواج جوان‌ها در جامعه بر حسب متغیرهای کلی سال‌ها و یا متغیرهای کیفی میزان تأخیر سن ازدواج. در این تحقیق برای سنجش متغیر سن ازدواج از یک سؤال به صورت باز استفاده شده است و سعی شده است که افراد در دامنه سنی ۲۴ تا ۳۹ ساله‌ها به پرسشنامه‌ها پاسخ گویند.

عزت نفس: منظور از عزت نفس ارزشیابی کلی فرد از خود است. این اصطلاح همچنین بیانگر خود و خود انگاره نیز می‌باشد (سامانی و فولاد چنگ، ۱۳۸۵: ۴۳). برای سنجش عزت نفس از مقیاس عزت نفس اسمیت^۱ (۱۹۶۷) استفاده شده است. این مقیاس دارای ۸ گویه است که هر عبارت یک مقیاس پاسخگویی لیکرت دارد. پایایی این مقیاس توسط فورست^۲ (۱۹۹۰) با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و کمرزین (۱۳۷۶) با روش باز آزمایی ۰/۸۹ بدست آمده است (سماوی، ۱۳۸۰: ۶۴).

نگرش‌های مذهبی: در این تحقیق جهت‌گیری‌های مذهبی در دو بعد جهت‌گیری درون دینی و برون دینی بر اساس مقیاس آلپورت و راس^۳ سنجش می‌شوند. این متغیر توسط ۱۰ گویه بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت سنجش گردید.

نگرش به برابری جنسیتی: اینکه تا چه حد افراد تمایل به برابری جنسیتی در زندگی زناشویی دارند. این متغیر با استفاده سؤالاتی در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت سنجش گردید.

سبک فرزندپروری خانواده: منظور از سبک فرزندپروری در روانشناسی اجتماعی، «فرآیندی است که بوسیله آن خانواده‌ها می‌آموزد که از طریق فراگرفتن رفتارهای اجتماعی که مورد تأیید گروه باشد و

1- Smith

2- Forest

3- Alport and Ross

همچنین علائق شخصی، فرزندان خود را پرورش دهند» (گولد و کولب، ۱۳۷۶، ۲۹). در این تحقیق سه نوع الگوی فرزندپروری بررسی شده است: استبدادی، قاطع و سهل گیر. فرزند پروری استبدادی: در این شیوه فرزندپروری کودکان در محیط خانواده با محدودیت‌هایی شدید مواجه هستند. آنها موظفند که از مقررات خاص والدین پیروی کنند. فرزند پروری قاطع: در این شیوه والدین انعطاف پذیرند و ضمن اعطای آزادی به فرزندان خود، برای آنان مقررات روشنی تعیین می‌کنند. در عین حال آنها برای مقررات وضع شده دلایلی ارایه داده و غالباً در مورد خواسته‌هایشان با فرزندانشان استدلال می‌کنند. فرزند پروری سهل گیر: در این شیوه والدین از فرزندان خود انتظار چندانی ندارند و کودکان در بیان احساسات و رفتارهای تکانشی خود، آزادی عمل دارند. چنین والدینی برای کنترل فرزندان خود به ندرت از تنبیه یا زور استفاده می‌کنند (احمدی و جمهری، ۱۳۸۰، ۱۵۱-۱۵۰). در این تحقیق سبک فرزندپروری در قالب سه الگوی فرزند پروری استبدادی و فرزند پروری قاطع و فرزندپروری سهل گیر سنجیده شده است. این متغیر بوسیله ۱۲ گویه و با طیف لیکرت سنجیده شده است و نمره‌ای که فرد کسب می‌کند بیانگر سبک فرزندپروری خانواده‌ها است.

۶- تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های تحقیق حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط ۳۸۰ نفر جوان در سنین ۲۵-۳۹ ساله ازدواج نکرده در شهر کرمانشاه تکمیل گردید و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفت. پس از پایان یافتن گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ها، استخراج و آنگاه به کامپیوتر انتقال یافت و سپس با استفاده از بسته نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از ۳۸۰ نفر نمونه آماری لحاظ شده در این پژوهش، ۵۲/۹ درصد افراد پسر و ۴۷/۱ درصد دختر بودند. ۵۲/۴ درصد افراد این تحقیق به شاغلین و ۴۶/۶ درصد به غیرشاغلین اختصاص داشته است. نتایج نشان می‌دهد که ۶۳/۴ درصد آنها در خانه‌های شخصی، ۲۵/۸ درصد اجاره ای، ۴/۵ درصد سازمانی و ۵/۳ درصد آنها در سایر خانه‌ها به سر می‌برند. ۱۵/۸ درصد از افراد را کارکنان اداری و دفتری، ۱۰ درصد از افراد را امور خدماتی، ۷/۴ درصد کارکنان مشاغل تولیدی و حمل و نقل و ۱۴ درصد پاسخگویان را کارکنان مشاغل فنی و تخصصی تشکیل می‌دهند. بیشترین تعداد پاسخگویان را افراد طبقه متوسط جامعه تشکیل می‌دهند به طوری که ۲۲۸ نفر از پاسخگویان در این طبقه قرار می‌گیرند. ۴/۵ درصد

از پاسخگویان در طبقات بالای جامعه، ۶۰/۰ درصد طبقات میانی و ۳۵/۵ درصد از در طبقات پایین جامعه بوده‌اند.

میانگین سنی افراد مورد مطالعه برابر ۲۷/۷۴ سال است. این میانگین سنی نشان‌دهنده روند افزایشی در سن ازدواج جوانان است. شاخص دیگر میزان تحصیلات می‌باشد که میانگین آن برای افراد پاسخگو برابر ۱۲/۶۸ می‌باشد. شاخص دیگر در این تحقیق میزان درآمد ماهیانه افراد است که میانگین آن برای پاسخگویان برابر ۳۲۳/۴۶ تومان بوده است. جدول شماره ۴ نشان‌دهنده وضعیت میانگین نمره پاسخگویان از متغیرهای اعتماد به نفس، برابری جنسیتی، گرایش‌های دینی، لذت از مجردی، سخت‌گیری‌های والدین و سبک فرزندپروری را نشان می‌دهد. شاخص اول اعتماد به نفس است. داده‌های جدول نشان می‌دهد که میانگین نمره اعتماد به نفس برای افراد مورد مطالعه برابر ۲۴/۷۱ است. از آنجا که این متغیر با استفاده از ۷ سؤال سنجیده شده است و میانگین مورد انتظار برابر ۲۱ می‌باشد. لذا از آنجا که میانگین بدست‌آمده در مقایسه با دامنه نمره (۷ تا ۳۵) در حد بالایی است و بیانگر وجود اعتماد به نفس قوی بین جوانان است.

شاخص دیگر برابری جنسیتی می‌باشد میانگین نمره این متغیر برای افراد مورد مطالعه برابر ۲۲/۹۰ است. میانگین مورد انتظار برابر ۲۱ می‌باشد. از آنجا که میانگین بدست‌آمده در مقایسه با دامنه نمره (۷ تا ۳۵) در حد تقریباً بالایی است لذا نشان‌دهنده نوعی نگرش به برابری جنسیتی بین جوانان وجود دارد. شاخص سوم گرایش‌های دینی افراد پاسخگو است که میانگین نمره آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۲۹/۱۶ است. از آنجا که این متغیر با استفاده از ۹ سؤال سنجیده شده است و میانگین مورد انتظار برابر ۲۷ می‌باشد. میانگین بدست‌آمده در مقایسه با دامنه نمره (۹ تا ۴۵) در حد بالایی است و بیانگر وجود نوعی گرایش دینی قوی حاکم بر زندگی در بین جوانان است. شاخص چهارم در این جدول لذت‌بردن از مجردی است که میانگین نمره آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۱۱/۶۳ است. میانگین مورد انتظار برابر ۱۲ می‌باشد. میانگین بدست‌آمده در مقایسه با دامنه نمره (۴ تا ۲۰) در حد پایین است و بیانگر عدم داشتن لذت از مجردی در بین جوانان است.

شاخص پنجم در این مجموعه سخت‌گیری‌های والدین است که میانگین نمره آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۱۰/۳۹ است. از آنجا که این متغیر با استفاده از ۴ سؤال سنجیده شده است و میانگین مورد انتظار برابر ۱۲ می‌باشد. لذا از آنجا که میانگین بدست‌آمده در مقایسه با دامنه نمره (۴ تا ۲۰) در حد نسبتاً پایینی است نشان می‌دهد که والدین آن چنان باید و شاید در امور ازدواج جوانان دخالت نمی‌کنند. شاخص ششم در این جدول بالابودن سطح انتظارات جوانان است که میانگین نمره آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۲۱/۱۹ است. از آنجا که این متغیر با استفاده از ۵ سؤال سنجیده شده است و میانگین مورد انتظار برابر ۱۵ می‌باشد. لذا از آنجا که میانگین بدست‌آمده در مقایسه با دامنه نمره (۵ تا ۲۵) در حد بالایی است نشان می‌دهد که جوانان برای انتخاب همسر دارای سطح انتظارات بالایی می‌باشند و شاید

همین سطح انتظارات بالا یکی از نتایج آرمانگرا بودن جوانان و پیامد آن بالارفتن سن ازدواج در میان آنها باشد.

شاخص هفتم سبک فرزندپروری است. این شاخص در سه بعد سبک دموکراتیک، استبدادی و بی-بندوباری سنجش شده است. میانگین سبک فرزندپروری استبدادی در این تحقیق برابر ۸/۳۹ می‌باشد. این میانگین در مقایسه با نمره میانگین مورد انتظار که برابر ۹ می‌باشد در حد برابر می‌باشد. از طرفی نمره میانگین سبک فرزندپروری بی بند و بار برابر ۶/۰۸ می‌باشد که این نمره در مقایسه با میانگین مورد انتظار یعنی عدد ۹ در حد پایینی است و لذا کمتر این سبک فرزندپروری در میان جوانان وجود دارد. میانگین نمره سبک فرزندپروری دموکراتیک در این تحقیق برابر ۱۱/۵۶ می‌باشد که در مقایسه با نمره میانگین مورد انتظار یعنی عدد ۹ در حد بالایی است و نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری دموکراسی امروزه بیشتر در میان خانواده‌های ایرانی حاکم می‌باشد.

جدول شماره ۴ توزیع نسبی شاخصهای اجتماعی اقتصادی پاسخگویان

متغیرها	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
متغیرهای مستقل	اعتماد به نفس	۳۶۰	۵/۷۲
	برابری جنسیتی	۳۷۶	۵/۹۶
	گرایش‌های دینی	۳۵۷	۶/۳۴
	لذت از مجردی	۳۷۲	۴/۰۵
	سخت‌گیرهای والدین	۳۶۹	۳/۶۱
	بالا بودن سطح انتظارات	۳۵۶	۳/۹۷
سبک فرزندپروری	استبدادی	۳۷۴	۳/۶۵
	دموکراسی	۳۷۶	۲/۲۵
	اعتماد به نفس	۳۷۲	۲/۵۰

جدول شماره ۵ توزیع فراوانی علت افزایش سن ازدواج از نظرگاه پاسخگویان را نشان می‌دهد. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که در مورد نداشتن درآمد کافی ۱۱۵ نفر یا ۳۰/۳۰ درصد، نداشتن شغل کافی ۹۷ نفر یا به تعبیری بالای ۲۵ درصد آنها گزینه خیلی زیاد، نداشتن مسکن مناسب نیز ۱۲۶ نفر و یا به عبارتی بالای ۳۳ درصد افراد این گزینه را انتخاب نموده‌اند. در زمینه متغیر ادامه تحصیل ۲۵ درصد آنها گزینه خیلی زیاد، بالا بودن هزینه ازدواج نیز ۱۰۶ نفر و یا به تعبیری ۲۸ درصد گزینه خیلی زیاد موافق بوده‌اند و دلیل افزایش سن ازدواج خود را در بالا بودن هزینه ازدواج بیان نموده‌اند.

۴۹/۷ درصد از پاسخگویان نیافتن همسر دلخواه را مؤثر دانسته و در سؤالات با گزینه خیلی زیاد موافق بوده‌اند. یکی دیگر از عواملی که پاسخگویان در توجیه بالا رفتن سن ازدواج خود معرفی کرده‌اند، بالا بودن میزان مهریه‌ها است. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان کسانی بوده‌اند که بالا بودن میزان مهریه‌ها را علت بالا رفتن سن ازدواج خود نمی‌دانستند. از جمله دیگر عوامل مرتبط در این زمینه مشکل تهیه جهیزیه است. تعداد کمی از جوانان مشکل تهیه جهیزیه را عامل دیر ازدواج کردن عنوان کرده‌اند به طوری که ۱۱۶ نفر از پاسخگویان و یا به عبارتی بالای ۳۰ درصد از پاسخگویان وجود این مسأله را به عنوان افزایش سن ازدواج عنوان نکرده‌اند. یکی دیگر از عوامل مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان سخت‌گیری‌های والدین است نتایج حاصل از این متغیر نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان در افزایش سن ازدواج با این گزینه موافق بوده‌اند به طوری که بیشتر از ۳۶ درصد پاسخگویان برای این متغیر گزینه خیلی زیاد را انتخاب نموده‌اند. در نهایت متغیر بالا بودن سطح انتظارات جوانان می‌باشد. نتایج حاصل از این متغیر در جدول نشان می‌دهد که ۲۵/۸ درصد از پاسخگویان علت افزایش سن ازدواج را در بالا بودن سطح انتظارات جوانان دانسته‌اند به طوری که این درصد برای این متغیر گزینه خیلی زیاد انتخاب نموده‌اند.

جدول ۵ توزیع فراوانی علت افزایش سن ازدواج از نظر پاسخگویان

عبارت‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
نداشتن درآمد کافی	۱۱۵	۵۰	۶۶	۶۴	۷۲
نداشتن شغل مناسب	۳۰/۳۰	۱۳/۲	۱۷/۴	۱۶/۸۰	۱۸/۹
نداشتن مسکن مناسب	۹۷	۷۱	۵۸	۵۸	۸۱
نداشتن مسکن مناسب	۱۲۶	۴۷	۵۲	۴۷	۹۳
ادامه تحصیلی	۳۳/۲	۱۲/۴	۱۳/۷	۱۲/۴	۲۴/۵
ادامه تحصیلی	۸۱	۵۵	۶۸	۷۸	۸۶
بالا بودن هزینه ازدواج	۲۱/۳	۱۴/۵	۱۷/۹	۲۰/۵	۲۲/۶
بالا بودن هزینه ازدواج	۱۰۶	۷۸	۵۰	۵۷	۷۷
داشتن برادر/خواهر بزرگتر مجرد	۲۸/۰	۲۰/۵	۱۳/۲	۱۵/۰۰	۲۰/۳
داشتن برادر/خواهر بزرگتر مجرد	۴۷	۳۱	۳۰	۵۷	۱۹۷
داشتن برادر/خواهر بزرگتر مجرد	۱۲/۴	۸/۲	۷/۹	۱۵/۰	۵۱/۸
نیافتن همسر دلخواه	۱۸۹	۵۵	۴۸	۳۷	۴۲
نیافتن همسر دلخواه	۴۹/۷	۱۴/۵	۱۲/۶	۹/۷	۱۱/۱
بالا بودن مهریه	۸۳	۳۳	۵۹	۸۱	۱۰۴
بالا بودن مهریه	۲۱/۸	۸/۷	۱۵/۵	۲۱/۳	۲۷/۴
مشکل تهیه جهیزیه	۶۶	۴۰	۵۷	۷۴	۱۱۶
مشکل تهیه جهیزیه	۱۷/۴	۱۰/۵	۱۵/۰	۱۹/۵	۳۰/۵
ترس از قبول مسئولیت	۵۳	۴۲	۶۴	۸۰	۱۲۹
ترس از قبول مسئولیت	۱۳/۹	۱۱/۱	۱۶/۸	۲۱/۱	۳۳/۹
سخت‌گیری والدین	۱۳۸	۴۴	۵۳	۷۱	۶۴
سخت‌گیری والدین	۳۶/۳	۱۱/۶	۱۳/۹	۱۸/۷	۱۶/۸
بالا بودن سطح انتظارات	۹۸	۷۴	۹۰	۴۳	۶۷
بالا بودن سطح انتظارات	۲۵/۸	۱۹/۵	۲۳/۷	۱۱/۳	۱۷/۶

۷- بررسی فرضیات

جدول شماره ۶ آزمون فرضیاتی را که متغیرهای مستقل آنها در سطح سنجش فاصله‌ای قرار دارند را نشان می‌دهد. نتایج بدست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون مؤید این مطلب است که بین نگرش افراد به برابری جنسیتی ($r=-0/48$)، و سن ازدواج رابطه معنادار، اما ضعیف و منفی وجود دارد می‌توان استدلال کرد که رابطه بین دو متغیر مذکور قوی و معنادار است. بین میزان تحصیلات جوانان ($r=0/32$)، ضریب همبستگی بین میزان درآمد پاسخگویان و سن ازدواج جوانان برابر $0/201$ - می باشد که با توجه به سطح معنی داری $P=0/005$ ، فرضیه فوق تأیید می‌شود. بین دو متغیر مربوطه رابطه معناداری وجود دارد اما این رابطه در جهت عکس عمل می‌کند به این معنا که با کاهش درآمد افراد سن ازدواج در بین آنها به تأخیر می‌افتند. این سطح انتظارات جوانان و سن ازدواج ضریب همبستگی بدست آمده برابر $0/30$ با سطح معنی داری $P=0/000$ ، بیانگر رابطه معنادار بین دو متغیر مذکور می‌باشد، به این معنا که با افزایش سطح انتظارات و خواسته‌های جوانان، سن ازدواج آنها نیز بالا می‌رود. بین میزان اعتماد به نفس و سن ازدواج جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. ضریب همبستگی بدست آمده برای این متغیر برابر $-0/334$ با سطح معنی داری $P=0/000$ ، بیانگر رابطه منفی و معکوسی بین دو متغیر مذکور می‌باشد، بین گرایش‌های دینی افراد و سن ازدواج جوانان رابطه وجود ندارد. مطابق با نتایج به دست آمده می‌توان چنین عنوان کرد که گرایش‌های دینی افراد و بالا و پایین آمدن شدت آن در افزایش یا کاهش سن ازدواج تأثیری ندارد. لذا فرضیه مذکور رد می‌گردد. بر این اساس رابطه مذکور بین دو متغیر فوق در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار نیست. بین میزان سخت‌گیری والدین و سن ازدواج آنها رابطه وجود دارد ($r=0/414$). با توجه به سطح معناداری به دست آمده که برابر صفر می‌باشد، می‌توان استدلال کرد که رابطه بین دو متغیر مذکور معنادار و مستقیمی وجود دارد. بین میزان لذت از مجردی و سن ازدواج آنها رابطه وجود دارد ($r=0/269$). با توجه به سطح معناداری به دست آمده که برابر صفر می‌باشد، می‌توان استدلال کرد که رابطه بین دو متغیر مذکور معنادار و مستقیمی وجود دارد.

جدول شماره ۶ ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل فاصله‌ای و سن ازدواج

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	همبستگی	سطح معنی داری
نگرش افراد به برابری جنسیتی	۲۲/۹۰	۵/۹۶	-۰/۴۸	۰/۰۰۰
میزان تحصیلات	۱۲/۶۸	۳/۲۰	۰/۳۲	۰/۰۰۰
میزان درآمد	۳۲۳/۴۶	۱۷۴/۸۹	-۰/۲۰۱	۰/۰۰۵
سطح انتظارات پاسخگویان	۲۱/۱۹	۳/۹۷	۰/۳۰	۰/۰۰۰
میزان اعتماد به نفس	۲۴/۷۱	۵/۷۲	-۰/۳۳۴	۰/۰۰۰
میزان گرایش‌های دینی	۲۹/۱۶	۶/۳۴	-۰/۰۴	۰/۳۷
سخت‌گیری والدین	۱۰/۳۹	۳/۶۱	۰/۴۱۴	۰/۰۰۰
لذت از مجردی	۱۱/۶۳	۴/۰۵	۰/۲۶۹	۰/۰۰۰

ضریب همبستگی پیرسون بین سبک فرزندپروری و سن ازدواج جوانان در ابعاد مختلف در جدول ۷ آمده است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه معنی دار و قوی بین سبک فرزندپروری دموکراسی و سن ازدواج جوانان و در جهت معکوس وجود دارد ($r = -0/44$) و بین سبک استبدادی و سن ازدواج نیز این رابطه وجود دارد اما این رابطه در جهت مستقیم عمل می‌کند. این مقدار برابر $r = 0/235$ می‌باشد. اما بین سبک فرزندپروری بی بندوباری و افزایش سن ازدواج ارتباط خاصی وجود ندارد ($r = -0/009$).

جدول شماره ۷ ضریب همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری و سن ازدواج

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	همبستگی	سطح معنی داری
استبدادی	۸/۳۹	۳/۶۵	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰
دموکراسی	۱۱/۵۶	۲/۲۵	-۰/۴۴	۰/۰۰۰
بی بندوباری	۶/۰۸	۲/۵۰	۰/۰۰۹	۰/۸۶

۸- آزمون تفاوت میانگین‌ها

جدول شماره ۸ آزمون تفاوت نمره میانگین سن ازدواج جوانان بر حسب جنسیت، وضعیت مسکن و وضعیت شغلی افراد نمونه را نشان می‌دهد.

میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان به ترتیب $28/07$ و $27/36$ می‌باشد و این تفاوت بر اساس آزمون T و سطح معنی داری $Sig = 0/017$ در سطح حداقل 95 درصد معنی دار است. میانگین نمره سن ازدواج برای افراد غیرشاغل و شاغل به ترتیب $28/26$ و $27/17$ می‌باشد و این تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون T و سطح معنی داری $Sig = 0/000$ در سطح حداقل 95 درصد اطمینان معنی دار بوده و فرضیه مذکور قابل پذیرش است. به عبارتی دیگر افراد بیکار و غیرشاغل بیشتر از افراد شاغل تمایل دارند سن ازدواج را به تأخیر اندازند. از آنجا که آزمون لیونز در این فرضیه برابر $6/68$ بوده است، لذا می‌توان گفت این معناداری هم از لحاظ آماری دارای اعتبار می‌باشد.

میانگین نمره سن ازدواج افرادی که در خانه‌های شخصی زندگی می‌کنند، برابر $28/47$ ، آنهایی که در خانه‌های اجاره‌ای زندگی می‌کنند برابر $26/35$ و افرادی که در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند برابر $26/76$ می‌باشد.

نتایج نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های در خانه‌های شخصی زندگی می‌کنند، از بقیه بیشتر است. تفاوت نمره سن ازدواج افراد در قرارگرفتن در وضعیت‌های متفاوت مسکن بر اساس آزمون F با مقدار $16/17$ و سطح معنی داری صفر فرضیه مذکور را در سطح حداقل 95 درصد تأیید می‌کند.

جدول ۸ آزمون تفاوت میانگین نمره سن ازدواج جوانان برحسب جنسیت افراد

Sig...	T	Sig...	آزمون لیونز	میانگین	فراوانی	مؤلفه ها
۰/۰۱۷	۲/۴۰	۰/۰۰۰	۹/۴۱۲	۲۸/۰۷	۲۰۰	مرد
				۲۷/۳۶	۱۷۹	زن
۰/۰۰۰	۳/۷۰	۰/۰۰۷	۶/۶۸	۲۸/۲۶	۱۹۸	غیرشاغل
				۲۷/۱۷	۱۷۷	شاغل
۰/۰۰۰	۱۶/۱۷	۰/۰۰۰	۱۲/۶۵	۲۸/۴۷	۲۴۰	شخصی
				۲۶/۳۵	۹۸	اجاره ای
				۲۶/۷۶	۱۷	سازمانی
				۲۶/۵۰	۲۰	سایر

۹- رگرسیون چندمتغیره

در تحقیق حاضر از آماره رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام به گام^۱ استفاده شده است. مدل رگرسیون سن ازدواج جوانان شهر کرمانشاه، با توجه به نتایج حاصله از این آنالیز، حکایت از این مطلب دارد که تحلیل رگرسیون تا پنج گام پیش رفته است. اولین متغیری که در معادله رگرسیونی وارد شده است، دخالت والدین می باشد. نتایج حاصله نشان می دهد که بین این متغیر و بالا رفتن سن ازدواج جوانان همبستگی بالایی وجود دارد، به طوری که مقدار T برای این متغیر برابر $(T=۳/۸۷)$ و ضریب معنی داری $(Sig.T=۰/۰۰۰)$ می باشد. میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۵۰٪ بدست آمده است. در مرحله دوم سبک فرزندپروری وارد معادله شده است، مقدار T برای این متغیر برابر $(۴/۵۴)$ و ضریب معنی داری $(Sig.T=۰/۰۰۰)$ می باشد. در اینجا با وارد شدن دومین متغیر ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۶۱٪ بدست آمده است. در گام سوم با وارد شدن متغیر اعتقاد به نابرابری جنسیتی، میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۶۵٪ بدست آمده است. مقدار T برای این متغیر برابر $(T=-۳/۵۸)$ و ضریب معنی داری $(Sig.T=۰/۰۰۰)$ می باشد. در گام چهارم با وارد شدن متغیر وضعیت مسکن، میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۶۷٪ بدست آمده است. مقدار T برای این متغیر برابر $(T=۲/۸۹)$ و ضریب معنی داری $(Sig.T=۰/۰۰۴)$ می باشد و نهایتاً در گام پنجم با وارد شدن متغیر میزان اعتماد به نفس، میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته

۶۹. بدست آمده است. مقدار T برای این متغیر برابر $(T=-2/39)$ و ضریب معنی داری $(Sig.T=0/018)$ می باشد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2=0/48$ بدست آمده است. کمیت F معنادار است این مطلب گویای این است که حداقل یکی از متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته مؤثر است. با توجه به نتایج بدست آمده از مقدار F که در سطح حداقل ۹۵ درصد و با مقدار ۲۴/۹۶۰ معنادار است، لذا می‌توان صحت آماری و اعتبار آماری آن را در سطح قابل قبولی ارزیابی نمود.

جدول ۹ عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی سن ازدواج

مرحله	متغیر	B	Beta	T مقدار	سطح معناداری	R ²
۱	میزان دخالت والدین	۰/۱۷۹	۰/۲۷	۳/۸۷	۰/۰۰۰	۰/۲۵
۲	سبک فرزندپروری	-۰/۲۹۳	-۰/۳۱	-۴/۵۴	۰/۰۰۰	۰/۳۷
۳	نابرابری جنسیتی	-۰/۱۳۲	-۰/۲۵	-۳/۵۸	۰/۰۰۰	۰/۴۲
۴	وضعیت مسکن	۱/۲۶	۰/۱۸	۲/۸۹	۰/۰۰۴	۰/۴۵
۵	میزان اعتماد به نفس	-۰/۲۰۸	-۰/۱۵	-۲/۳۹	۰/۰۱۸	۰/۴۸

بر این اساس معادله رگرسیون چندمتغیره در تحقیق حاضر به این صورت می باشد:

$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

سن ازدواج = $0/273$ (میزان دخالت والدین) + $0/314$ (سبک فرزندپروری) + $0/254$ (نابرابری جنسیتی) + $0/183$ (وضعیت مسکن) + $0/155$ (میزان اعتماد به نفس) + ei

۱۰- تحلیل رگرسیون لجستیک

یکی از مدل‌هایی که برای تجزیه و تحلیل و برآورد احتمال یک واقعه دوارزشی (وقوع یا عدم وقوع) مناسب است، مدل رگرسیون لجستیک^۱ است. با توجه به اینکه در این مقاله وجود افزایش سن ازدواج در میان جوانان مورد بررسی است لذا استفاده از رگرسیون لجستیک به برآورد مدل تخمین کمک می‌نماید.

آزمون Wald برای آزمون معناداری ضرایب محاسبه شده بکار برده می‌شود که در این تحقیق برای پنج متغیر از دخالت والدین، سبک فرزندپروری، اعتماد به نفس، سطح سواد، نابرابری جنسیتی معنادار است. با توجه به اینکه مقدار B_0 ها (ضریب رگرسیون لجستیک) برای ۳ متغیر از دخالت والدین، نابرابری

جنسیتی و سطح تحصیلات مثبت می‌باشد مقدار $EXP(b)$ در آنها بالاتر از یک است. نتیجه نشان می‌دهد که این متغیرها در افزایش وقوع سن ازدواج تأثیر فزاینده‌ای دارند ولی این مقدار برای دو متغیر سبک فرزندپروری و اعتماد به نفس منفی باشد، لذا مقدار e^b آنها نیز کمتر از یک است. در این حالت نسبت بخت ها Odds کاهش یافته است به این معنا که دو متغیر مذکور در وقوع سن ازدواج تأثیر کاهنده‌ای دارند. ضریب بتا رابطه همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را نشان می‌دهد. مقدار مثبت آن برای ۳ متغیر از دخالت والدین، نابرابری جنسیتی و سطح تحصیلات نشان‌دهنده رابطه‌ای مثبت بین این عوامل و افزایش سن ازدواج می‌باشد. این رابطه برای دو متغیر دو متغیر سبک فرزندپروری و اعتماد به نفس حاکی از رابطه منفی آنها با افزایش سن ازدواج جوانان است.

جدول ۱۰ برآورد پارامترهای مدل رگرسیون لجستیک برای پیش بینی وقوع سن ازدواج

متغیر	B	S. E. Beta	Wald	Sig.	EXP(b)
دخالت والدین	۰/۱۲۹	۰/۰۵۳	۵/۹۹۰	۰/۰۰۵	۱/۱۳۸
سبک فرزندپروری	-۰/۱۳۲	-۰/۰۷۱	-۳/۴۴۹	۰/۰۲۳	۰/۸۷۷
اعتماد به نفس	-۰/۲۱۳	-۰/۰۴۳	-۳/۷۱۲	۰/۰۵۴	۱/۲۲۴
سطح سواد	۰/۰۱۷	۰/۰۴۴	۳/۴۵۹	۰/۰۲۴	۰/۹۸۳
نابرابری جنسیتی	۰/۱۷۹	۰/۰۹۴	۱/۳۸۹	۰/۰۵۱	۱/۱۹۶

در رگرسیون لجستیک برای تفسیر از شانس یا نسبت بخت‌ها استفاده می‌کنیم. این شاخص نسبت بین دو تا احتمال است. نسبت احتمال وقوع $Pro(e)$ بر روی احتمال عدم وقوع $Pro(n)$ ، شانس را که بطور موفقیت آمیز عضویت گروهی را برای هر مورد معین پیش بینی می‌کند را نشان می‌دهد. شاخص های برازش مدل رگرسیون لجستیک در جدول شماره ۱۱ آمده است. در این جدول از چهار شاخص برای برازش مدل استفاده شده است. یکی از شیوه های درست نمایی مدل شاخص $-2Log$ Likelihood می‌باشد. این شاخص در این مدل برابر $۱۲۰/۵۱۸$ است و تا حد زیادی درست‌نمایی مدل را نشان می‌دهد. سنجه دیگر در این مقاله برای درست‌نمایی رگرسیون لجستیک استفاده شده است، آماره Goodness of fit می‌باشد. که معناداری مدل را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۱ شاخص های برازش مدل رگرسیون لجستیک

شاخصهای برازش مدل لجستیک	X^2	Df.	Sig.
-2Log Likelihood	۱۲۰/۵۱۸	۸	۰/۰۰۰
Model X^2	۱۲/۶۵۹	۱۸	۰/۰۷۶
Improvement	۰/۰۰۰	۰/۳۷۰	۰/۰۱۱
Goodness of fit	۰/۰۰۵	۰/۱۳۰	۰/۰۴۲

جدول دیگری که در این تحلیل تفسیر می‌شود **Classification Table** است. این جدول درصد پیش‌بینی‌های صحیح براساس مدل را نشان می‌دهد و بیان می‌کند که چقدر احتمال علل وقوع افزایش سن ازدواج در میان جوانان براساس متغیرهای موجود در مدل درست تبیین و پیش‌بینی شده است. برای بدست آوردن مقدار تبیین شده، ابتدا قطر مربع را با هم جمع کرده و تقسیم بر کل جمع چهار ضلع مربع کرده و سپس در ۱۰۰ ضرب می‌کنیم. که نتایج بدست آمده برای این تحقیق نشان می‌دهد که ۸۱/۶۰ درصد مدل به درستی تبیین شده است.

جدول ۱۲ موارد درست پیش‌بینی شده علل وقوع افزایش سن ازدواج در میان جوانان

مشاهده شده	پیش‌بینی شده		درصد صحت
	وقوع افزایش سن ازدواج		
	احتمال وقوع	احتمال عدم وقوع	
احتمال وقوع	۹۸	۹	۸۱/۶
احتمال عدم وقوع	۱۸	۲۲	

۸۱/۶ درصد کل موارد درست پیش‌بینی شده است.

۱۱- بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی مشکلات و موانع ازدواج از یک سو و آرزوها، ایده‌آل‌ها و تصویری که دختران و پسران از آینده و زندگی مشترک خود دارند، از سوی دیگر، موجب گردیده که جوانان به آسانی تن به ازدواج ندهند. در دهه‌های اخیر، تحوّل جدی در الگوهای رفتاری خانواده‌ها به وجود آمده است. تغییر در الگوی مصرف، نوع پوشاک، مسکن، سطح انتظارات خانواده‌ها و توجه به آراسته‌بودن ظاهری موجب گردیده که مفهوم زندگی به طور کلی دگرگون شود. نتایج حاصل از این تحقیق عوامل بسیاری در افزایش سن ازدواج جوانان مؤثر می‌داند که برخی از آن‌ها واقعی و برخی دیگر ساخته و پرداخته خود ما می‌باشند. این عوامل عبارتند از:

سخت‌گیری والدین: سخت‌گیری والدین یکی از عواملی است که در سن ازدواج مؤثر است، ناآگاهی والدین از ضرورت ازدواج به موقع فرزندان از جمله عواملی است که بعضاً باعث بروز پاره‌ای بی‌تفاوتی‌ها می‌گردد که بیشتر در خانواده‌های محروم و کم‌سواد دیده می‌شود و یا مانع‌تراشی‌های بی‌موردی را موجب می‌شود که عملاً بر مشکلات ازدواج جوانان می‌افزاید. اکثر جوانان در این نکته متفق القول هستند که خانواده‌ها به طور جدی و از طریق تعلیم و آموزش از ازدواج صحبتی به میان نمی‌آورند و فقط با گوشزدکردن ازدواج‌های ناموفق و یا به رخ کشیدن ازدواج‌های موفق در باب مسأله

گاهگاه سخنرانی می‌کنند. پدران و مادران که عموماً در این گونه موارد آموزش ندیده‌اند طبعاً نمی‌توانند راهنمای فرزندان‌شان باشند.

بالا بودن توقعات و انتظارات زوجین برای تشکیل خانواده: جوانان علاوه بر مشکلات مربوط به کسب درآمد کافی برای شروع به زندگی، از سطح توقعات و انتظارات نسبتاً بالایی - نسبت به والدین و نسل‌های قبل از خود - برخوردار می‌باشند. توقعات و افزایش سطح آن ترویج روحیه رفاه‌گری و تجمل‌گرایی که تحفه تبعیت از فرهنگ غرب است و خودش از عوامل بزرگی است که در افزایش سن ازدواج موثر است کم رنگ شدن به الگوهای فرهنگی دینی مانند اصل ساده زیستی "توکل به خدا"، "بی توجهی به دنیا و مادیات" از طرف مسئولان و مردم یکی از عوامل باز دارنده ازدواج به موقع است.

ادامه تحصیل و کسب شغل: افزایش میزان تحصیلات مردان با افزایش سن ازدواج همراه است. تفاوت در سن ازدواج مردان در مقاطع تحصیلی متوسطه و بالاتر همانند زنان، بیشتر است. افزایش تحصیلات افراد، بسیاری از عوامل مهم مرتبط با ازدواج نظیر انتظار از روابط زناشویی و ازدواج و نحوه انتخاب همسر را تحت تاثیر قرار داده است. مثلاً برای زنان با تحصیلات بالاتر، امکان حضور فعال در بخش‌های بیشتر می‌شود، در نتیجه آنها برای خود موقعیتی مشابه با موقعیت مردان را طلب می‌کنند. تلاش برای دستیابی به این موقعیت و ایجاد امنیت کافی برای پایدار بودن آن در طول زندگی، هم زمان و هم فرآیند تشکیل خانواده را دچار دگرگونی می‌کند.

اعتقاد به داشتن زندگی آزاد در مجردی: برخی بر این باورند که ازدواج باعث ایجاد محدودیت در بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای آنان می‌شود؛ از این رو، ترجیح می‌دهند به شکل مجرد و آزاد زندگی کنند. این گرایش نه تنها در بین پسران وجود دارد، بلکه برخی از دختران نیز ازدواج را نوعی محدودیت و موجب سلب آزادی‌های فردی خود می‌دانند. شاید بیشتر افرادی که ازدواج را عامل محدودکننده آزادی-های فردی می‌دانند، فلسفه و حقیقت ازدواج را به خوبی درک نکرده و طرفدار آزادی به معنای غربی آن باشند، اما در این میان افرادی هم هستند که با وجود گرایش مذهبی قوی، آسایش، آرامش، خودسازی و سیر و سلوک معنوی را در داشتن نوعی زندگی می‌دانند که در آن قید و بندهای زناشویی و زندگی مشترک وجود نداشته باشد. برخی نیز فرزنددار شدن را مانع رشد اجتماعی مطلوب و کار و تحصیل خود می‌دانند، از این رو، حاضر نمی‌شوند ازدواج کنند.

مشکلات مربوط به افزایش میزان مهریه: از عوامل اقتصادی مهریه و جهیزه سنگین است. به علت افزایش بسیار نگران‌کننده طلاق در سالهای اخیر خانواده‌ها ترس خود را با بالا بردن مهریه سنگین از بین می‌برند که البته مسکنی بیش نیست مهریه را سنگین می‌گیرند و روزبه روز رقم آن را بالا می‌برند و این درحالی است که آنها به رابطه مستقیم خوشبختی و افزایش مهریه معتقد هستند ولی خانواده‌ها باید بدانند که در انتخاب درست و صحیح باید فکر کنند نه مهریه. در نتیجه این مورد پسران از ترس مشکلات

احتمالی زندگی و طلاق جرأت پا پیش گذاشتن را ندارند از طرفی گاهی خانواده دختر توان خرید جهیزیه سنگین را ندارند و به این خاطر ازدواج دخترشان را به عقب می‌اندازند.

مسائل اشتغال و بیکاری: علاوه بر آثار و تبعات این معضل در زمینه‌های مختلف دیگر، در امر ازدواج جوانان - مخصوصاً ازدواج مردان - بسیار نقش تعیین‌کننده‌ای ایفاء می‌نماید. بیکاری مردان و یابائین بودن سطح دستمزدها برای جوانانی که با هر درجه‌ی تحصیلی مشغول به کار می‌شوند و نیز عدم امنیت شغلی در هنگام اشتغال به کار، از موانعی است که موجب می‌شود تا پسران نتوانند اقدام به انتخاب همسر برای ازدواج و تشکیل خانواده نمایند.

از عمده‌ترین نیازهای معیشتی جوانان برای شروع به زندگی، داشتن مسکن مستقل - هرچند به صورت اجاره‌ای و رهنی - می‌باشد که باتوجه به بالا بودن نرخ‌های اجاره‌ی مسکن، بسیاری از جوانان امکان اجاره‌نمودن یک خانه‌ی کوچک را نیز دارا نمی‌باشند. علاوه بر آن، داشتن اتومبیل و یا بسیاری از لوازم منزل که در سالهای اخیر برای تشکیل خانواده، مرسوم شده است، موجب شده تا جوانان نتوانند بین درآمدهای خود و هزینه‌های ضروری زندگی تعادلی بوجود آورده و تشکیل یک خانواده‌ی مستقل - از والدین خود- را امکانپذیر بدانند. باید توجه داشت که در دهه‌های اخیر باتوجه به تمایزات فرهنگی نسل جوان با والدینشان، امکان زندگی مشترک زوج تازه ازدواج کرده با والدین شوهر و یا زن، تقریباً امکان‌ناپذیر شده است و فقط در بعضی از خانواده‌های روستایی و به نسبت بسیار کمتری در مناطق شهری، این نوع زندگی مشترک زوجین با والدین مقدور بوده است.

تغییر در ملاک ازدواج: در فرهنگ اسلامی همان‌گونه که پیشوایان ما بیان نموده‌اند ملاک کامل برای ازدواج ایمان و اخلاق است، حال آنکه در جامعه امروزی ملاک بیشتر مدرک، ثروت، پست و مقام می‌باشد. در نتیجه کسب این معیارها برای جوانان در درازمدت آن هم برای عده معدودی صورت می‌گیرد در نتیجه ازدواج در سن مناسب به تأخیر می‌افتد حال اگر ذهن جوانان را از این معیارها منحرف کرده و به معیار ایمان و اخلاق همان چیزی که اسلام به آن اشاره کرده است ببریم نه تنها سن ازدواج مناسب خواهد شد بلکه بسیاری از مشکلات دیگر حل خواهد شد.

ازدواج در کنار تحصیل: همان‌طور که اشاره شد تحصیل یکی از موارد مهم در افزایش سن ازدواج است لذا اگر شرایطی به وجود آید که جوانان در کنار تحصیل که مهم‌ترین و حساس‌ترین قشر جامعه اند ازدواج کنند سن ازدواج پایین می‌آید. این امر مشروط بر این است که اولاً خانواده‌ها این موضوع را درک کنند که چه خطرهایی فرزندان دانشجوی آنان را تهدید می‌کند و چه عوارض روحی و روانی بر اثر تأخیر در ازدواج برای آنان به وجود می‌آید ثانیاً سازمان‌ها و دانشگاه کمک کنند که جوانان ضمن تحصیل در دانشگاه بتوانند با شرایط آسان ازدواج کرده و درس‌شان را نیز ادامه بدهند.

نقش والدین در ازدواج جوانان: نقش خانواده در بهینه سازی سن ازدواج و پیشگیری از انحرافات اخلاقی جوانان، نقش مهم و اساسی است. والدین می توانند با اقدام به موقع برای ازدواج فرزندانشان و دست برداشتن از سختگیری های بی مورد، رسومات و سنت های غلط، و انتظارات و توقعات نابجا از فرزندان، زمینه ازدواج به موقع آنها را فراهم نموده و به مسؤلیت دینی و اخلاقی خود، عمل کنند.

مسؤلیت دولت در تسهیل امر ازدواج جوانان: هر یک از نهادهای اجتماعی عهده دار مسؤلیت ها و وظایف مشخصی از کارکردهای یک جامعه هستند. فرایند عملکرد این نهادها و نیز تعامل بین آن ها، چگونگی حرکت یک جامعه را مشخص می سازد. دولت به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسؤلیت حراست از ارزش های فرهنگی، ایجاد زمینه برای رفاه اجتماعی و تسهیل ازدواج جوانان را به عهده دارد. در فرهنگ اسلامی بر تعاون اجتماعی و رسیدگی به امور جوانان تأکید شده و بخشی از بیت المال برای تسهیل ازدواج جوانان اختصاص یافته است. در احوالات حضرت علی (علیه السلام) آمده است: جوانی را که مرتکب استمنا شده بود، محضر او آوردند تا مجازات کند. حضرت او را تعزیر کرد و روی دستش را آن قدر زد تا سرخ شد. سپس فرمود: چرا این کار را کردی؟ چرا ازدواج نکرده ای؟ عرض کرد: چون توانایی ندارم و ... حضرت دستور داد از بیت المال او را تأمین کنند که ازدواج کند. برای تسهیل امر ازدواج جوانان و در نتیجه، پیشگیری از بسیاری انحرافات اخلاقی موارد ذیل پیشنهاد می شوند:

- برگزاری کلاس های آموزشی درباره ازدواج و تحلیل و بررسی پیامدهای به تأخیر انداختن آن.
- ایجاد مراکز ویژه برای شناختن موقعیت های افراد طالب ازدواج و فراهم کردن زمینه آشنایی خانواده ها و خواستگاری در مواردی که با معیارهای مورد نظر دختر و پسر هم خوانی داشته باشد.
- فراهم کردن امکانات ازدواج به دور از مخارج غیر ضروری و در چارچوب فرهنگ دینی، از نوع ازدواج های گروهی که در سال های اخیر شاهد برگزاری ساده و صمیمی آنها بوده ایم، تا به این وسیله جوانان بتوانند با صرفه جویی، زمینه یک زندگی ساده و سالم را فراهم کنند.
- منحصرنکردن امکانات مادی و رفاهی به دانشجویان و جوانان ساکن در پایتخت و تقسیم تسهیلات بین همه قشرها و گروه ها در شهرها و شهرستان های مختلف.
- قرار دادن افرادی که ازدواج کرده اند در اولویت های اشتغال و در واقع، توجه به اشتغال جوانان به دور از تبعیض و رابطه محوری.
- فرهنگ سازی ازدواج ساده و منطبق با معیارهای اسلامی، که یکی از راهکارهای اصلی در حل مشکلات ازدواج جوانان بوده است و باید از سوی رسانه ها دنبال شود. اگر معیار ما در ازدواج و انتخاب همسر، اسلام باشد، همه یا اکثر این مشکلات وجود نخواهد داشت.

باید بینش جوانان، نوجوانان و خانواده‌ها نسبت به زندگی و ازدواج اصلاح شود تا بتوان مقدمات ازدواج آنان را در زمان مناسب و با الگوگیری از امامان معصوم (علیهم السلام) که پیش از ۲۰ سالگی اقدام به ازدواج می نمودند، فراهم کرد.

- باید تدابیری از سوی مربیان، مسئولان فرهنگی و دولت در نظر گرفته شود که جوانان و نوجوانان در ابعاد گوناگون جسمی، جنسی، عقلی، اجتماعی، عاطفی و اقتصادی به طور هماهنگ و متناسب رشد نمایند. آنچه در حال حاضر مشاهده می شود ناهم ترازوی رشد و بلوغ جنسی و جسمی با دیگر ابعاد رشد یعنی رشد عقلی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی جوانان و نوجوانان است. از این رو، جوانان سال ها پس از رسیدن به بلوغ جنسی، منتظر یافتن شغل مناسب، تکمیل تحصیلات و دیگر پیش نیازهای زندگی باقی می ماندند که در نتیجه، یا اصلاً به آن دست نمی یابند و یا وقتی به آن ها می رسند که دیگر شادابی، طراوت و انگیزه ازدواج را ندارند. در هر دو صورت، زندگی آسیب پذیر و در معرض خطرات جدی است.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، حسن و جمهری، فرهاد، ۱۳۸۰، روانشناسی رشد ۲، نوجوانی، جوانی، میانسالی و پیری. تهران: پردیس.
- ۲- آستین فشان، پروانه، ۱۳۸۰، بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی - جمعیتی موثر بر آن طی سالهای ۷۵-۱۳۵۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده: علوم اجتماعی، جمعیت شناسی.
- ۳- اسکندری چراتی، آذر، ۱۳۷۸، بررسی عوامل موثر بر تاخیر سن ازدواج در ایران، نمونه مورد مطالعه استان گلستان، فصلنامه تخصصی جامعه شناسی، سال چهارم، شماره سوم، صص، ۱-۲۵.
- ۴- اسکیدمور، ریچارد، ۱۳۷۲، تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران، تهران، نشر سفید.
- ۵- جعفری مژدهی، افشین، ۱۳۸۲، عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران، پژوهش زنان، شماره ۵، دوره ۱ بهار ۱۳۸۲، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران.
- ۷- ریشه، گی، ۱۳۶۶، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- ۸- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش .
- ۹- سامانی، سیامک و فولاد چنگ، محبوبه، ۱۳۸۵، روانشناسی نوجوانی. شیراز: انتشارات ملک سلیمان.
- ۱۰- سگالن، مارتین، ۱۳۷۰، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز.

- ۱۰- سماوی، سید عبدالوهاب، ۱۳۸۰، بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس علوم اجتماعی سال سوم راهنمایی. پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- ۱۱- عبداللهی، رضا، ۱۳۶۶، نظام اسلامی و مسایل و مشکلات نسل نو، روزنامه اطلاعات، ۱۰ آذر ۶۶، ص ۱۰.
- ۱۲- علامه طباطبایی، ۱۳۶۴، ازدواج دائم و ازدواج موقت از نظر اسلامی، گردآورنده حسن موجودی، انتشارات موجودی.
- ۱۳- فرجاد، محمدحسین، ۱۳۷۲، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۱۴- کاظمی پور، شهلا، ۱۳۸۳، تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن، پژوهش زنان، شماره ۱۰، صص ۱۰۳-۱۲۴.
- ۱۵- کنعانی، محمد امین، ۱۳۸۵، پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه مورد مطالعه ترکمن ها، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱، صص ۱۰۴-۱۲۶.
- ۱۶- گولد، جولیوس و ویلیام ل، کوکب، ۱۳۷۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی و دیگران. تهران: انتشارات مازیار.
- ۱۷- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶، چشم اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلائی پور، تهران، انتشارات طرح نو.
- ۱۸- لوکاس، دیوید و پاول میر، ۱۳۸۱، درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران، تهران، زهد، ۱۳۷۹، صص ۱۱۷-۱۲۳.
- مرکز آمارایران، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵.
- ۲۰- مطلق، محمد (۱۳۸۴). نگاهی به پدیده ازدواج جوانان، روزنامه همشهری، ۲۹ مرداد.
- ۲۱- مقدس جعفری و یعقوبی چوبری (۱۳۸۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج جوانان در رشت، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی واحد شوشتر، شماره چهارم و پنجم، صص ۱۷۷-۲۰۱.
- ۲۲- مهدوی، محمد صادق (۱۳۷۷)، بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

23- Caldwell, J.(1981). The Mechanisms of Demographic change in Historical Perspective, Population Studies, Vol. 29: pp. 345-366.

- 24- Goode, William (1963) world revolution & Patterns, New York, Free press.
- 25- Hajnal, J.(1965). European Marriage Patterns in Perspective, in D. V. Glass and D. Eversley (eds). Population in History, Arnold, London: pp. 42-101.
- 26- Hamilton, G. and Siow, A.(2007), Class, Gender and Marriage, Review of Economic Dynamics, Vol. 10, No. 4, pp. 549-575.
- 27- Moulder, F.V,(2000), Social Problems of Modern World wadsworth, Thomson Learning.
- 28- Murayama, S.(2001). Regional standardization in the age at marriage: A comparative study of pre Industrial Germany and Japan, The History of the Family, Vol. 6, No. 2, pp. 303-324.
- 29- Nettles, E. J. and Loevinger L.(1983). Sex role expectations and ego level in relation to problem marriages, Journal of Personality and Social Psychology, Vol. 45, No. 3, pp. 676-687.
- 30- Vera, H.; Felix M. ; Berardo, D. and Berardo H.(1987). On gold diggers: Status gain or loss in age heterogamous marriages, Journal of Aging Studies, Vol. 1, No. 1, pp. 51-64.